

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**نخستین قوانین موقتی محاکمات  
جزایی (آیین دادرسی کیفری)  
مصوب ۱۲۹۱ شمسی**

.....

تدوین  
گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش

انتشارات چتر دانش

۱۳۹۵

عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	: نخستین قوانین موقتی محاکمات جزایی [ آیین دادرسی کیفری ] مصوب ۱۲۹۱ شمسی / تدوین گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۵ ص:؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۰۳-۵
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: آیین دادرسی جزایی -- ایران
موضوع	: Criminal procedure -- Iran
موضوع	: حقوق جزا -- ایران
موضوع	: Criminal law -- Iran
شناسه افزوده	: موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ن/۳ / KMH۴۶۱۰
رده بندی دیویی	: ۳۴۵/۵۵۰۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۴۱۳۹۰۸

نام کتاب	: نخستین قوانین موقتی محاکمات جزایی [ آیین دادرسی کیفری ] مصوب ۱۲۹۱ شمسی
ناشر	: چتر دانش
تدوین	: گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
نوبت و سال چاپ	: اول - ۱۳۹۵
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۰۳-۵
قیمت	: ۱۳۵۰۰۰ تومان

مرکز پخش: تهران - خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - کوچه نوروژ - پلاک ۱۳

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۷۸۹۱۵ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۸۹۰۵۹

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

## فهرست

قوانین موقتی محاکمات جزایی ( آیین دادرسی کیفری) مصوب ۹ رمضان ۱۳۳۰ قمری - ۳۰ مرداد ماه ۱۲۹۱ شمسی .....	۸
مقدمه .....	۸
<b>باب اول: در تفتیش جرم و تحقیقات مقدماتی</b> .....	۱۳
فصل اول: در اشخاصی که به تفتیش و تحقیق جرائم مأمورند .....	۱۳
فصل دوم: در تکالیف کمیسرهای پلیس و قائم مقام آنان از حیثی که از ضابطین عدلیه محسوبند .....	۱۴
فصل سوم: در صاحب منصبان و رؤساء بریکاد ژاندارم و امنیه .....	۱۷
فصل چهارم: در حدود اختیارات مدعی العموم محکمه ابتدایی و مستنطق .....	۱۸
مبحث اول: در حدود اختیارات مدعی العموم ابتدایی و معاون او .....	۱۸
مبحث دوم: در حدود اختیارات مستنطق .....	۲۱
فصل پنجم: در تحقیقات مقدماتی .....	۲۳
مبحث اول: در صلاحیت مستنطقین .....	۲۳
مبحث دوم: در مواردی که مستنطق به شروع در تحقیقات مکلف است .....	۲۵
مبحث سوم: در تحقیقات مستنطق .....	۲۹
مقاله اول: در معاینات محلی .....	۲۹
مقاله دوم: در تفتیش منزل و تحصیل آلات و ادوات جرم و اسباب تحقیق .....	۳۴
مبحث چهارم: در احضار و استنطاق متهم .....	۳۸
مبحث پنجم: در اقداماتی که برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم به عمل می آید .....	۴۳
مبحث ششم: در احضار شهود تحقیق و مطلعین و استنطاق آنان .....	۴۶
مبحث هفتم: در تحقیقات محلی .....	۵۱
<b>باب دوم: در قرار جلب به محاکمه یا منع آن</b> .....	۵۲
فصل اول: در اوامر مستنطق و مدعی العموم .....	۵۲
محکمه ابتدایی پس از ختم تحقیقات .....	۵۲
فصل دوم: در رسیدگی محکمه استیناف در موارد اختلاف بین عقیده مدعی العموم ابتدایی و مستنطق .....	۵۶

۵۸	باب سوم: در محاکم جزایی خلاف و جنحه و جنایت.....
۵۸	فصل اول: در صلاحیت محاکم جزایی.....
۶۳	فصل دوم: در رفع اختلافات راجعه به صلاحیت.....
۶۴	فصل سیم: در احاله دعوی جزایی از محکمه به محکمه.....
۶۵	فصل چهارم: در رسیدگی محاکم صلحیه.....
۶۵	مبحث اول: در صلاحیت محاکم صلحیه در مواردی که محاکم مزبوره شروع به رسیدگی می کند.....
۶۸	مبحث دوم: در احضار.....
۷۱	مبحث سیم: در تأخیر رسیدگی و اقدام در ممانعت از فرار.....
۷۳	مبحث چهارم: در رد امنای صلحیه.....
۷۳	مبحث پنجم: در ترتیب رسیدگی.....
۷۸	مبحث ششم: در حکم.....
۸۱	مبحث هفتم: در احکام غیابی.....
۸۲	مبحث هشتم: در صورت مجلسی که محاکم صلح ترتیب می دهند.....
۸۳	مبحث نهم: در شکایت از احکام غیر قطعی محاکم صلحیه.....
۸۶	مبحث دهم: در رسیدگی استینافی در محکمه جنحه.....
۸۷	مبحث یازدهم: در تمیز.....
۸۸	مبحث دوازدهم: در اجرای احکام محاکم صلحیه.....
۸۹	فصل پنجم: در رسیدگی محکمه جنحه.....
۸۹	مبحث اول: در صلاحیت محکمه جنحه و کیفیت شروع به محاکمه.....
۹۵	مبحث دوم: در محاکمه و حکم.....
۹۹	مبحث سوم: در استیناف احکام محاکم جنحه.....
۱۰۴	فصل ششم: در محاکم جنایی.....
۱۰۴	مبحث اول: در تشکیل محاکم جنایی.....
۱۰۶	مبحث دوم: در مقدمات محاکمه جنایی.....
۱۰۹	مبحث سوم: در تحقیقات و کیفیت محاکمه.....

۱۱۶	.....	مبحث چهارم: در حکم و اجراء آن
۱۲۰	.....	فصل هفتم: در محاکم جنایی اختصاص
۱۲۰	.....	مبحث اول: در تشکیل محکمه
۱۲۱	.....	مبحث دوم: در صلاحیت محکمه و ترتیب محاکمه
۱۲۳	.....	<b>باب چهارم: در تمیز احکام جزایی</b>
۱۲۳	.....	فصل اول: در موارد استدعای تمیز
۱۲۳	.....	فصل دوم: در اشخاصی که می توانند تمیز بخواهند
۱۲۵	.....	فصل سوم: در مدت و طریق استدعای تمیز
۱۲۶	.....	فصل چهارم: در اثرات تمیز و طریق شروع به محاکمه
۱۲۹	.....	فصل پنجم: در رد و قبول عریضه تمیزی
۱۳۱	.....	فصل ششم: در کیفیت امر بعد از نقض و ارجاع
		فصل هفتم: در مواردی که مدعی العموم دیوان تمیز از احکام قطعی محاکم تالی تمیز
۱۳۱	.....	می خواهد
۱۳۲	.....	<b>باب پنجم: در اعاده محاکمه یا تجدیدنظر</b>
۱۳۴	.....	<b>باب ششم: در اجرای احکام و مخارج عدلیه</b>
۱۳۴	.....	فصل اول: در احکامی که به موقع اجرا گذاشته می شود
۱۳۵	.....	فصل دوم: در اشخاصی که احکام را مجری می دارند
۱۳۶	.....	فصل سوم: در ترتیب اجرای احکام جزایی
۱۳۹	.....	فصل چهارم: در خارج عدلیه

## سخن ناشر

تاریخ، هویت بشر است و ... ساختار هر جامعه‌ی با ساروجی از پیشینش شکل می‌گیرد تا «باشندگان» امروزش به پشتوانی آن، به سامان سازند شرایط را برای «آیندگانی» که درآینده، به داوری می‌نشینند.

هر اجتماعی در گذرگاه تاریخ خویش، بزنگاه‌هایی دارد که رخدادهایش، تحریک‌کننده‌ی سرنوشت فرادیش می‌شود. از این روی، بازنگری در احوال مردمان روزگار سبب شده، نه تنها آموزه‌هایی را با خود دارد، بلکه سرشار «جدالیت» و «لطف» است از چگونگی کرد و کار، روابط، زبان و ادب کلامی و نگارشی ایشان.

بی‌گفت و گو، میهن کهنساله ما نیز با تمدنی هفت هزاره‌ی، آنگاه چنین حوادتی است و ...

«انقلاب مشروطه»، در زمره‌ی مهم‌ترین اتفاقات سرزمین مان است که موجب درگونی شرف و بنیادین در ساختار جامعه‌ی ایران گردید. حادثه‌ی که نه فقط بنیان «استبداد» و «خودکامگی» و «جاهلیت» سلاطین قجری را از مرزها برکند و زیر و زبر کرد، که شهد آزادی را به مردمان چشاند و دمی به روشنی دنیایی نوین، به روی شان گشود و بایلداری ایشان، موجب گردید تا «قانون»، مفهوم واقعیش را باز یافته و جماعت ایرانی، با اثرگانی نو، همچون «آزادی بیان و اندیشه»، «عدالت»، «مجلس»، «حقوق مدنی»، «مسئولیت اجتماعی» و ... آشنا شده و جایگاه مرامتین خود در مناسبات سیاسی و تعیین سرنوشت خویش و زادبومشان را باز شناسند.

برکنار از همه‌ی پیامدهای انقلاب مشروطه، یکی از عواملی که در دستارمان خوانش کارنامه‌ی گذشتگان را به مطالعه‌ی این برهما از تاریخ ایران، تهییج می‌کند، زبان و ادبیات این عصر است که به لحاظ تفاوت‌های فاحش اش با فرهنگ روزگار ما،

جذب‌دهنده و کششی خاص دارد. ادبیاتی با غنایی ویژه. فرهنگی که نه تنها در گفت و شنودهای عادی آن زمانه جاری بوده، بلکه مکاتبات رسمی و حقوقی‌اش را نیز تحت تأثیر داشته است.

با چنین پیشگامی، انتشارات چتر دانش به‌عنوان نشر دهنده‌ای کتب حقوقی، با هدف آشنا نمودن نسل امروز جامعه حقوقی ایران، به ویژه جوانانی که در هیأت دانشجوی حقوق، اندیشه‌ی پوشیدن ردای وکالت و قضاوت و... به سر دارند، با چند و چون تلویزیون و نگارش قوانین در آن عهد و باز شناخت روشن بینی نگارندگان آن، انتشار مجموعه کتاب‌هایی در این زمینه را در دستور کار قرار داد که هفتمین جلد آن با عنوان «خستین قوانین موقتی محاکمات جزایی (آیین دادرسی کیفری)» هم‌اینک در دستانتان است.

بر واضح است که قوانین مندرج در این کتاب و کتاب‌های بعدی، کلاً منسوخ شده‌اند و باز نشرشان تنها به این دلیل است که خواندنش را از دیدگاه آشنایی با خوبی تلویزیون اولین قوانین حقوقی بن‌پایه نظام پارلمانیسر، آن هم در ایام واپس ماندگی جامعه ایران عهد قجر، برای باشندگان امروز در حلقه‌ی علم حقوق، به‌فایده دیدیم.

انتظار بر آن است تا اقدام انتشارات چتر دانش در نشر کتب تاریخی با مضامین حقوقی، مورد اقبال اهل حقوق و دست‌اندرکاران تاریخ، واقع شده و فرزندان گرانسنگ در حیطه‌ی تاریخ و حقوق نیز با رهنمودها و دانش و دانسته‌های شان در این مقوله، ما را یاری رسان شوند تا کاستی‌های هم‌اکنون در دست‌یابی به هدفی که شرح‌اش رفت، به حداقل برسد.

**فرزاد دانشور**

**مدیر مسئول انتشارات چتر دانش**

قوانین موقتی محاکمات جزایی  
 (آیین دادرسی کیفری) مصوب ۹ رمضان  
 ۱۳۳۰ قمری - ۳۰ مرداد ماه ۱۲۹۱ شمسی

مقدمه

ماده ۱

اصول محاکمات جزایی عبارت است از ترتیبات و قواعدی که وضع شده برای کشف و تحقیق جرائم و تعیین مسئولیت مجرمین بر حسب مقررات قانونیه.

ماده ۲

محکومیت به جزاناشی از جرم است و جرم می تواند دو حیثیت داشته باشد. (اول) حیثیت عمومی از جهتی که محل نظر و حقوق عمومی است. (دوم) حیثیت خصوصی از آن جهت که مراجع به تضرر شخص یا اشخاص یا هیأت معینی است. علیهذا جرمی که دارای دو حیثیت است موجب دو ادعا می شود ادعای عمومی برای حفظ حقوق عمومی و ادعای خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان شخصی.

ماده ۳

اقامه دعوی و تعقیب مجرم یا متهم به جرم از حیث حقوق عمومی بر عهده اداره مدعی العموم است و اقامه دعوی از حیث ضرر و زیان شخصی بر عهده مدعی خصوصی است (مرجوع به ماده ۹) مستثنیات این ماده در مواد آتیہ مصرح است.





ماده ۴

در آن قسمت امور جزایی که مراجع به محاکم صلحیه است و حیثیت عمومی آنها دارای اهمیتی نیست اقامه دعوی و تعقیب امر جزایی بر عهده مدعی خصوصی است و همچنین موافق قوانین به عهده مأمورین نظمیه است که در این موارد تا اندازه که قانون معین کرده قائم مقام مدعی العموم هستند.

ماده ۵

امور جزایی مراجعه به محاکم جنحه و جنایت بر دو نوع است. (اول) اموری که حیثیت عمومی آن دارای اهمیت مخصوصی است. (دوم) اموری که هر چند حیثیت عمومی دارد ولی اهمیت آن از حیث نظام مملکتی و آسایش عامه به درجه امور نوع اول نیست.

ماده ۶

در امور جزایی نوع اول اقامه دعوی و تعقیب بر عهده مدعی العموم است چه مدعی خصوصی اقامه دعوی کرده چه نکرده باشد در امور نوع ثانی مدعی العموم تعقیب نمی نماید مگر این که بدو مدعی خصوصی اقامه دعوی کرده باشد.

تبصره - تفکیک امور نوع اول از نوع دوم و تعیین این که کدام امر جزایی از کدام نوع است در قانون جزا مصرح است.<sup>۱</sup>

۱- محاکم صلحیه: دادگاههای صلح

۲- مُصْرَح است: تصریح شده است

مادۀ ۷

تعقیب امس جزایی و حفظ حقوق عمومی فقط نسبت به مرتکب جرم و کسانی خواهد بود که شرکت در آن جرم داشته‌اند.

مادۀ ۸

تعقیب امس جزایی که از طرف مدعی العموم موافق قانون شروع شد، موقوف نمی‌شود مگر در موارد ذیل «اول» به واسطه فوت یا جنون متهم یا مقص «دویم» در صورت صلح مدعی خصوصی و متهم در مواردی که به صلح طرفین تعقیب امس جزایی ترك می‌شود (مرجوع به قانون جزا) «سوم» در موقع صدور عفو عمومی در مورد تقصیرات سیاسی «چهارم» در مواقعی که به واسطه مرور زمان در موارد تقصیرات عرفی موافق مقررات قانون مملکتی تعقیب ممنوع است.

مادۀ ۹

شخصی که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیانی (یعنی خسارت مالی) شد، است و در ضمن ادعای عمومی (از طرف مدعی العموم) مطالبه غرامت و خسارت می‌نماید مدعی خصوصی محسوب می‌شود.

مادۀ ۱۰

هم‌گاه قبل از صدور حکم محکمه مجرم یا متهم فوت شود ادعای خصوصی



به جای خود باقی خواهد بود. کلیتاً<sup>۱</sup> اسقاط<sup>۲</sup> حقوق عمومی به جهت از جهات قانونی موجب اسقاط حقوق خصوصی نمی شود.

### ماده ۱۱

به ادعای خصوصی تا زمانی که متضمن خلاف و یا جنحه و جنایت نباشد در محکمه جزا رسیدگی خواهد شد.

### ماده ۱۲

مخاکم جزا حق رسیدگی را به ادعای خصوصی نسبت به ضرر و زیان و خسارت که از خلاف یا جنحه و یا جنایت حاصل شده است ندارند مگر در صورتی که شخص متهم به واسطه حقوق عمومی جلب و در حین رسیدگی به حقوق عمومی حقوق خصوصی نیز معنی گردد. در این صورت مخاکم جزا در حقوق خصوصی نیز حکم مقتضی صادر می نمایند.

### ماده ۱۳

چون رسیدگی به دعوی خصوصی در مخاکم جزا فرع بر دعوی عمومی است پس از صدور حکم در برائت ذمه متهم محکمه جزا در یک نمی تواند دعوی خصوصی را تعقیب نماید ولی مدعی خصوصی در این موارد می تواند به محکمه حقوق رجوع نموده ضرر و زیان خود را مطالبه کند.

۱- کلیتاً: در مجموع، کلاً

۲- اسقاط حق: صرف نظر کردن از حق توسط صاحب آن حق

### مادۀ ۱۴

پس از آن که محکمه جزا در خصوص دعوی عمومی حکمی صادر نمود در همان مجلس حکم دعوی خصوصی را نیز صادر می کند و اگر حکم دعوی خصوصی را صادر نکرد مدعی خصوصی در صورتی که ایفای حق خصوصی خود را بخواهد باید به محکمه حقوق رجوع نماید.

### مادۀ ۱۵

در صورتی که کسی محکمه حقوق را ابتداءً مرجع دعوی خصوصی خود قرار داد ریگ دعوی مزبور در محکمه جزا پذیرفته نمی شود و همچنین اگر کسی تا جلسه اول محاکمه جزایی ادعای خصوصی ننموده ریگ ادعای مزبور<sup>۱</sup> در محکمه جزایی پذیرفته نمی شود.

### مادۀ ۱۶

هر گاه کسی ادعای خصوصی در محکمه جزا نمود ولی صلور حکم از حیث حقوق عمومی به جهتی از جهات قانونی به تأخیر افتاد مدعی خصوصی می تواند در باب مطالبه ضرر و زیان خود به محکمه حقوق رجوع نماید.

### مادۀ ۱۷

هر گاه ثبوت<sup>۲</sup> تقصیر متهم منوط است به مسائلی که محاکمه و ثبوت آن از خصایص محاکم حقوقی است مثل حق مالکیت و افلاس امر جزایی تعقیب نمی شود و اگر تعقیب شده معلق می ماند تا حکم قطعی از محاکمه حقوق صادر شود.

۱- مزبوره: مزبور، نامبرده

۲- ثبوت: اثبات



## باب اول: در تفتیش جرم و تحقیقات مقدماتی فصل اول: در اشخاصی که به تفتیش و تحقیق جرائم مأمورند

### ماده ۱۸

تحقیقات مقدماتی جرائمی که محاکمه آنها ملاحظه به محاکم جنحه و جنایات است به عهده مستنطق است. اداره نظمی و همچنین در مولداری که قانون معین می‌کند اداره ژاندارمری و امنیت در تحت نظارت مدعی العموم محکم ابتدایی به مستنطق محکم در کشف جرائم و تحقیقات مقدماتی معاونت می‌نمایند و از این حیث از ضابطین عدلیه محسوبند.

### ماده ۱۹

ضابطین عدلیه عبارتند از مأمورینی که مکلفند به تفتیش و کشف جرائم (خلاف و جنحه و جنایت) و به اقداماتی که برای جلوگیری مرتکب یا متهم از فرار یا مخفی شدن موافق مقررات قانون باید به عمل آید. ضابطین مذکور به ترتیب ذیل تقسیم می‌شوند (اول) مدعی عمومی ابتدایی و معاونین او (دوم) مستنطق (سوم) کمیس‌های پلیس و قائم مقام آنان (چهارم) صاحبان مناصب و رؤساء برکاد ژاندارمری و امنیت مدعی عمومی رئیس ضابطین عدلیه محسوب ولی مأموریت مخصوص و عمدتاً او تعقیب امور جزایی است حدود و وظایف هر کدام از مأمورین مذکور به طوری است که در این باب مقرر است.

## فصل دوم: در تکالیف کمیسره‌های<sup>۱</sup> پلیس و قائم مقام آنان از حیثی که از ضابطین عدلیه محسوبند

### ماده ۲۰

کمیسره‌های پلیس و قائم مقام آنان همین که از وقوع جرمی مطلع شدند هرگاه جرم به درجه جنایت باشد فوراً مراتب را به مدعی العموم یا معاون او اطلاع می‌دهند و اگر جرم از درجه جنحه یا خلاف باشد تحقیقات فوراً صورت مجلس را در صورت اولی (جنحه) نزد مدعی العموم ابتدایی و در صورت ثانوی (خلاف) نزد امین صلح<sup>۲</sup> می‌فرستند.

### ماده ۲۱

وقتی که علامات و امارات و وقوع جرمی مشکوک باشد یا نظمیه به اخبار افواهی<sup>۳</sup> مطلع از وقوع جرمی بشود و یا کلیه اطلاعات نظمیه از منابع صحیحی نباشد کمیسره‌های نظمیه باید قبل از دادن اطلاع به مقامات لازمه تحقیقات در صحت و سقم شایعه یا خبر به عمل آورده معلوم نمایند که واقعاً روی داده یا نه و اگر اتفاقی افتاده علاوه بر آثار جرمی را در آن است یا نه نتیجه تحقیقات خود را در این موارد نظمیه به مدعی العموم ابتدایی یا معاون او اطلاع می‌دهد و مشارالیه نظر به نتیجه تحقیقات دنبال کردن تحقیقات و تعقیب مسئله را موقوف می‌دارد و یا تکمیل آن را از نظمیه می‌خواهد.

### ماده ۲۲

تحقیقات کمیسره‌های نظمیه در مورد ماده قبل عبارت است از تفتیش و تفحص

۱- کمیسر: مأمور پلیس، پلیس، مأمور

۲- امین صلح: قاضی دادگاه صلح

۳- اخبار افواهی: اخبار دهان به دهان، اخبار سینه به سینه و شفاهی



و استعلامات شفاهی و نظارت مخفی نسبت به اشخاص مظنون بدون این که نظمی، حق داشته باشد داخل شود به منزل کسی برای معاینات و به دست آوردن اسباب جرم و تحقیق آن واقع.

●●● ماده ۲۳ ●●●

در موارد ذیل کمیسرهای نظمی، مکلفند تا وقتی که مدعی العموم یا معاون او در محل وقوع جرم حاضر نشد، اقدامات لازم را برای جلوگیری از اعدام<sup>۱</sup> و اضمحلال<sup>۲</sup> اثرات جرم و فرار مجرم یا متهم به عمل آورند

(۱) در موارد جرائم مشهوره یعنی در صورتی که مجرم در حین ارتکاب یا بلافاصله بعد از ارتکاب دیده شده

(۲) در مواردی که مجنی علیه یا مدعی و شهود واقع مستقیماً شخص مظنون را نشان داند او را مرتکب جرم بدانند

(۳) وقتی که در نزد متهم یا در خانه او علائم واضح جرمی کشف شود

(۴) در صورتی که معلوم شود که اسباب و دلایل جرم متعلق به متهم است و یا نزد او است.

(۵) وقتی که متهم قصد فرار داشته یا در حین فرار یا پس از آن گرفتار شده

(۶) وقتی که متهم اقامتگاه دائمی ندارد یا در جایی مقیم نبوده و مسکن و مأوی معین ندارد

●●● ماده ۲۴ ●●●

کمیسرهای نظمی نمی توانند قائم مقام مستنطق واقع شده تحقیقات به عمل

۱- اعدام: معدوم شدن، نابود شدن

۲- اضمحلال: مضمحل شدن، منهدم شدن، از بین رفتن

آورند مگر در موارد جرم مشهور یا در موردی که صاحب‌خانه خود دخول نظمیہ را بہ خانہ خود تقاضا کند و همچنین در موردی کہ در غیاب مستنطق یا مدعی العموم می‌توان علائم و امارات جرم را معدوم نمود در این موارد کمیس‌های نظمیہ قائم مقام مستنطق واقع شدہ تحقیقاتی را کہ فوریت دارد بہ عمل می‌آورند تحقیقات مزبورہ عبارت است از معاینات و تفتیش و تفحص در منزل مجرم و تحصیل و حفظ آلات و اسباب جرم. در این موارد استطاق متهم و طرفش و همچنین استماع شہادت‌شہود تا ورود مستنطق یا مدعی العموم بہ محل وقوع جرم جایز است.

#### مادہ ۲۵

اقدامات کمیس‌های نظمیہ در مورد دو مادہ قبل موافق قواعد و ترتیباتی است کہ برای تحقیقات مقدماتی مقرر است (رجوع بہ فصل پنجم این باب)

#### مادہ ۲۶

کمیس نظمیہ بعد از ورود مستنطق یا مدعی العموم تحقیقاتی را کہ کردہ بہ مشارالیہ دادہ و دیگس مداخلہ نمی‌کند مگر این کہ تعلیمات یا مأموریتی از طرف مستنطق یا مدعی العموم بہ کمیسری نظمیہ رجوع شود.

#### مادہ ۲۷

قواعد مقررہ در این فصل مراجع بہ کمیس‌های نظمیہ همچنین شامل کدخدا و اشخاصی است کہ رسماً قائم مقام کمیس‌های نظمیہ هستند.





## فصل سوم: در صاحب‌منصبان و رؤساء بریکاد<sup>۱</sup> ژاندارم و امنیه<sup>۲</sup>

### ماده ۲۸

صاحب‌منصبان ژاندارمری و امنیه مکلفند کلیه وقایعی را که دامرای حیثیت جنحه و جنایت است به مدعی‌العموم ابتدایی محل و نظمیة اطلاع بدهند

### ماده ۲۹

در صورتی که رؤسای بریکاد ژاندارمری و امنیه مشاهده کنند تا ورود مدعی‌العموم یا مستنطق ممکن است آثار و امارات جرم معلوم شود یا خون متهم فرار نماید باید اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار متهم و اعدام آثار و علائم جرم به عمل آورند.

### ماده ۳۰

مدعیان عمومی و معاونین آنان می‌توانند در مواردی که لازم بدانند تفتیشات<sup>۳</sup> راجعه<sup>۴</sup> به جرم را به صاحب‌منصبان ژاندارمری مرجوع نمایند این تکلیف مدعی‌العموم به رؤساء ژاندارمری کتبا یا شفاهاً ابلاغ می‌شود.

### ماده ۳۱

صاحب‌منصبان ژاندارمری در حین اجرای تفتیش موافق ماده (۲۲) رفتار می‌نمایند و در صورتی که سوء تفاهمی حاصل شود یا دچار اشکالی شوند از

۱- بریکاد: تیپ، واحد نظامی پایین‌تر از لشکر، شامل چند گردان یا هنگ

۲- امنیه: نیروی انتظامی در خارج از شهر، ژاندارمری

۳- تفتیشات: بازپرسی‌ها

۴- راجعه: راجع

مدعی العموم محکمه ابتدایی که در حوزه آن واقعد تعلیمات لازمه را می‌خواهند و نتیجه تفتیش خود را نزد همان مدعی العموم ارسال می‌دارند.

#### ... مآه ۳۲ ...

مدعیان عمومی هر گاه مشاهده کنند که تفتیش اداره شاندر امر ناقص است می‌توانند تکمیل آن را بخواهند.

### فصل چهارم: در حدود اختیارات مدعی العموم محکمه ابتدایی و مستنطق مبحث اول: در حدود اختیارات مدعی العموم ابتدایی و معاون او

#### ... مآه ۳۳ ...

مدعیان عمومی محاکم ابتدایی و معاونین آنان خودشان متصدی تحقیقات مآدماتی نمی‌شوند مگر در مورد مدکور در مآه (۴۰) ولی تعلیمات لازمه در این باب به مستنطقین داده به تحقیقات ایشان نظارت دارند.

#### ... مآه ۳۴ ...

مقامات و اشخاص رسمی در مواردی که باید جزایی را تعقیب نمود مراتب را به مدعی العموم اطلاع می‌دهند.

#### ... مآه ۳۵ ...

نسبت به تفتیش جرم کمیسرها ی نظمیه و قائم مقام آنان در تحت اطاعت مدعیان عمومی هستند.



ماده ۳۶

مدعیان عمومی حق دارند در تحقیقات مقدماتی حضور به هم رسانند؛  
 ترتیبات تحقیقات را مشاهده نمایند بدون این که بتوانند جریان تحقیقات را توقیف  
 کنند.

ماده ۳۷

مستظمین در موقع تحقیقات مراجعه به جنحه و جنایت تقاضای قانونی  
 مدعی العموم را مجری داشته مراتب را در صورت مجلس یا دفتر قید می کنند  
 و هر گاه در موقع اجرای تقاضای مدعی العموم مستنطق دچار اشکالی شود  
 حتی المقتدر اجرای آن تقاضا را کرده در باب اشکال به مدعی العموم  
 رجوع کرده منتظر حل مشکل خود می شود.

ماده ۳۸

در موردی که مستنطق متهم را توقیف می کند باید فوراً به مدعی العموم اطلاع  
 دهد و مشارالیه می تواند توقیف را تصویب نکرده نظر به اوضاع و احوال  
 مسئله و عدم وجود ظن کافی در باره متهم جنایی از مستنطق تبدیل آن را  
 به اقدام دیگری که ملائمت و خفیتش باشد بنماید در این صورت مستنطق  
 امر مدعی العموم را مجری می داند در موردی که مدعی العموم امر جنایی  
 یا جنحه را به مستنطق رجوع می کند باید در تقاضانامه خود اظهار داند  
 که توقیف متهم لازم است یا خیر اگر مستنطق آن تقاضا را لازم بداند بر طبق  
 آن اقدام می کند و اگر رأی او مخالف باشد حکم می دهد و دلایل خود

ما مشعر بن<sup>۱</sup> این که توقیف مورث نداشته اظهار می‌دارم و بلافاصله در وسیه<sup>۲</sup> کار ما به مدعی العموم ابلاغ می‌کند و مشارالیه می‌تواند در ظرف ۲۴ ساعت نسبت به حکم مستنطق استیناف بخواند و همچنین هر گاه متهم توقیف شده و عقیده مستنطق بر رهایی او باشد در وسیه کار ما به مدعی العموم ابلاغ می‌کند و او دستور لازم را داده و مستنطق فوراً حکم خود را می‌دهد و اگر این حکم بر خلاف دستور مدعی العموم باشد مشارالیه می‌تواند در ظرف ۲۴ ساعت بن حکم مذکور اعتراض کند و این اعتراض به محکم استیناف<sup>۳</sup> داده می‌شود و در صورت اختلاف در صلاحیت محاکم مابین مدعی العموم و مستنطق در ظرف ۲۴ ساعت مدعی العموم می‌تواند نسبت به حکمی که مخالف رأی اوست استیناف بخواند.

### ماده ۳۹

در صورتی که مدعی العموم یا معاون او تحقیقات مستنطق را ناقص ببیند می‌تواند تکمیل آن را از مستنطق بخواند و لو این که مستنطق تحقیقات خود را قابل بداند.

### ماده ۴۰

مدعی عمومی در موارد جنایات مشهوره مستنطق را اخبار نموده ولی برای تفتیش و تحقیق مجبور نیست که انتظار او را داشته باشد بلکه خود را به محل وقوع جنایت فوراً رسانیده تحقیقات لازم را از اعلام از مطلعین و شهود

۱- مشعر بن: حاکی از مبنی بر

۲- وسیه: پرونده

۳- محکمه استیناف: دادگاه تجدیدنظر